

## معناشناسی ماهیت نگاره‌های معماری سنتی و تأثیر هویتی آن در جهانی شدن شهر یزد (مورد مطالعاتی: خانه ملک‌زاده)

### چکیده

بافت‌های تاریخی شهرهای ایرانی - اسلامی با ارزش کالبدی و فرهنگی نهفته در خود، از هویت شهری بالایی برخوردار هستند. شهر یزد از جمله شهرهای است که از بافت تاریخی و معماری منحصر به فردی برخوردار است. بازشناسی نگاره‌های موجود در معماری آن می‌تواند بخشی از این هویت تاریخی را معرفی کند. در همین راستا، پژوهش حاضر که از نوع تحقیقات کیفی و توصیفی است و در آن از مطالعات اسنادی بهره گرفته شده، با روشی پیمایشی تلاش دارد تا با استناد به دو رویکرد "دید مکانی" (هستی‌شناسی) و "معنای مکان" (پدیدارشناسی) محیط زیسته را در جهانی شدن شهر یزد و خاصه نمونه مورد مطالعه پژوهش، خانه ملک‌زاده مورد کنکاش قرار داده و هر بخش را با عناصر هویت‌سازی که معماری به فرد منتقل می‌کند، تبیین و ارزیابی نماید؛ در حقیقت محقق از میان نیازهای روانشناختی، دو نیاز "ابراز وجود" و "احراز وجود" را مورد تاکید قرار داده و تلاش دارد تا با روش «تئوری برخاسته از زمینه»، به شناسایی معیارهای خانه‌های سنتی یزد در پاسخگویی به این نیازها بپردازد. نتیجه حاصل نشان می‌دهد، تأثیری که عناصر هویت‌ساز معماری ایرانی - اسلامی در غالب خانه‌های سنتی در بافت‌های تاریخی بر جهانی شدن شهر یزد می‌گذارد، در جستجوی هستی‌شناسی و شناخت‌شناسی در هویت و فرهنگ شهر است.

### اهداف پژوهش:

۱. تبیین و بررسی مؤلفه‌های هویت‌دهنده به معماری سنتی شهر یزد و جستجوی عناصر موثر آن در جهانی شدن این شهر.
۲. ارائه راهکاری برای زدودن بحران‌های ایجاد شده در معماری خانه‌های معاصر شهر یزد.

### سوالات پژوهش:

۱. طرحواره‌های معماری سنتی شهر یزد چه نقشی در ماهیت این شهر و ثبت میراث فرهنگی جهان دارند؟
۲. چگونه می‌توان با استناد به طرحواره‌های معماری سنتی یزد بحران هویتی - فرهنگی ایجاد شده در خانه‌های معاصر این شهر را در ردایی مدرن برطرف نمود؟

**کلیدواژه‌ها:** معماری سنتی، هویت، معناشناسی، خانه ملک‌زاده، نگاره.

## مقدمه

جامعه‌شناسان و به‌ویژه انسان‌شناسان همواره بر این نکته تاکید می‌کنند که مکان‌ها، مناطق و سرزمین‌ها برای مردم بسیار با اهمیت هستند؛ زیرا از توانایی هویت‌سازی بالایی برخوردار بوده و عناصر و اجزای اصلی هویت را تأمین می‌کند. مطالعات پیرامون عرصه‌ها، پدیده‌ها و عناصر شهری گذشته همواره برای هویت بخشیدن به ساختار شهرهای کنونی لازم بوده و نشانه‌های همدلی با شهرسازی و معماری گذشته می‌باشد؛ این در حالی است که در جوامع سنتی برخلاف جوامع مدرن، بحران هویت وجود نداشته و در واقع در این جوامع، فضا کاملاً وابسته به مکان بوده و از این‌رو با مکان انطباق دارد و با علائم و نشانه‌های مکان پر می‌شود. "گیدنز" در این رابطه به زیبایی عنوان می‌کند که: در چنین جوامعی فضا از مکان جدا نبوده و زمان و فضا در بستر مکان به یکدیگر پیوند می‌خورد (حجازی و افلاطونیان، ۱۳۹۴: ۱۶۹). شهرسازی معاصر ایران در تعامل بین باور سنتی و دیدگاه وارداتی قرار داشته و این بی‌هویتی در معماری، خود را بیشتر نمایان می‌سازد. لذا هویت و شخصیت شهر زمانی معنا می‌یابد که شاخص‌های خاص شهر نمود یابند. شاخص‌هایی که ریشه در مکان و زمان داشته و با سنت، عقاید، کالبد و به‌طور کلی دانش و فرهنگ جامعه پیوند خورده باشند (مومنی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۵). این در حالی است که عناصر و پدیده‌های موجود در فضای پویای ایرانی و کنش متقابل که جز با حضور انسان بروز نمی‌یافت، تنها با استدلال، خردانگاری و پرتوهای نور در زمان حال میسر نبوده و درک صحیح اعتماد به زمینه تاریخی وظیفه وجودی سنت را در سرلوحه کار دارد؛ سنتی که قبل از بودن انسان جاری بود، نمی‌توانست مستقل از فضا عمل نموده و فضایی که متعلق به زمان دیگری است، تفسیر به ذات آن در زمان حال میسر نمی‌شد. چراکه ارتباط فضا و زمان که انسان سازنده هر دوی آن‌ها است با متغیر انسان تغییر می‌یابد و رسیدن به الگوی ساماندهی فضایی در هر دوره زمانی منوط به همان دوره بوده و تعریف آن در پیش یا پس تغییر می‌کند. این در حالی است که در شهری تاریخی مانند یزد درک عناصر و پدیده‌ها و حس وحدت بدون حضور تکنولوژی و تفسیر در تطبیق با سنت باعث جاری شدن معرفت می‌گردد و ایجاد الگوی مناسب، در تلفیق دانش و هنر در دوره پسا ساختارگرایی باعث هویت‌مندی فضاها می‌شود لازمه ایجاد این الگو و تبعیت از آن برای جلوگیری از گنگ بودن گذشته، فضای معنوی ایرانی برای آیندگان است. محقق در این پژوهش با مطالعه رابطه عناصر هویت‌ساز میان انسان و مکان از زاویه تبیین ماهیت طرحواره‌های معماری سنتی، ابتدا به بررسی نسبت و روند شکل‌گیری این رابطه در طی زمان می‌پردازد و سپس چگونگی استفاده از این رابطه در فرآیند جهانی شدن شهر یزد را کنکاش می‌کند. لازم به ذکر است، در اینجا، معناکاوای ماهیت طرحواره‌های معماری سنتی شهر یزد در نقش "متغیر مستقل" عمل نموده و به عنوان علت بر سایر متغیرهای موجود اثرگذار است؛ همچنین است تأثیر هویتی آن در جهان شدن این شهر که نقش "متغیر وابسته" را در این پژوهش داراست و در ردای معلول از متغیر مستقل تأثیر مستقیم می‌گیرد. بنابراین پرسش اساسی این تحقیق را می‌توان بر این اساس استوار نمود: چگونه طرحواره‌های معماری سنتی شهر یزد توانستند بر ماهیت این شهر اثر گذاشته و این شهر را به ثبت میراث فرهنگی جهان برسانند؟

به عبارتی دیگر فرضیه مستند در پژوهش پیش‌رو بر این پایه استوار شده است:

به نظر می‌رسد، طرحواره‌های به‌کار گرفته شده در معماری سنتی و بومی یزد، بر ماهیت این شهر جهت ثبت در میراث فرهنگی جهان تاثیر مستقیم گذاشته‌اند.

بررسی پیشینه پژوهش حاکی از این است که تاکنون اثر مستقلی با این عنوان به رشته تحریر درنیامده است. پژوهش پیش‌رو بر اساس نوع داده تحقیقی کیفی بوده و به صورت پیمایشی و اسنادی اطلاعات آن گردآوری گردیده است. لذا در این پژوهش به صورت توصیفی - تحلیلی به بررسی مقوله هویت در شهر یزد پرداخته شده و خانه ملک‌زاده به عنوان نمونه موردی از لحاظ مؤلفه‌های هویتی به‌ویژه هویت کالبدی آن در قالب یکی از بناهای تاریخی در یک شهر قدیمی ایرانی مورد بررسی قرار گرفته است و بدین‌سان مقوله "هویت" و تأثیر آن در جهانی شدن سیمای یک شهر مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

### نتیجه‌گیری

هویت و ساماندهی بصری در نگاره خانه‌های بومی و سنتی یزد از ویژگی‌های بارز معماری ایران به حساب می‌آید که ریشه‌هایی عمیق در مبانی و اصول فرهنگی - اجتماعی این سرزمین برجای گذاشته و به عنوان یک اصل در معماری ایرانی پذیرفته شده است. برخی از تحلیل‌گران معماری ایرانی بر این باورند که شکل‌گیری این طرح‌واره‌ها در معماری صرفاً به دلایل اقلیمی خاص منطقه بوده است. اما اگر نیک بنگریم در می‌بایم که توجه به مسائل درونی و باطنی درونگرایی بر اساس فرهنگ، سبک زندگی، آداب و رسوم و جهان‌بینی خاصی که ایرانیان بر آن پایبند بوده‌اند، شکل گرفته و البته همراه با مسائل محیطی و جغرافیایی به تکامل رسیده است. به هر حال ارزش نهادن به زندگی شخصی و حرمت نهادن به آن، خانه‌های ایرانی را در گذشته به دانه‌هایی درون‌گرا مبدل ساخته و حیات مرکزی را به عنصری شاخص و نقطه عطف در معماری این خانه‌ها تبدیل نموده و در واقع این عناصر، درونگرایی را به معنا و مفهومی پایدار در معماری ایرانی مبدل ساخته‌اند. اما آنچه در این تحقیق مهم می‌نمایند، با وجود آن که معماری بومی‌ساز در طی هزاران سال در سرتاسر این مرز و بوم وجود داشته و شکل گرفته، معماران سنتی ما با خلق نگاره‌های گوناگون، وجه مشترکی با هم داشته‌اند و این وجه مشترک پیامی مشترک را برای همه به یکسان به همراه داشته است و آن نقش کلیدی "هویت معماری ایران" است که برای باززنده‌سازی مجدد فرهنگ معماری کشور نقش مهمی را ایفا خواهد نمود.

### منابع

- آقادودی، محی‌الدین؛ زکریایی کرمانی، ایمان. (۱۳۹۶). «تحلیل مضامین و کارکردهای کتیبه‌های مدارس عصر صفویه اصفهان نمونه موردی: مسجد- مدرسه چهارباغ»، دوفصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات هنر اسلامی، شماره ۲۶.
- احمدی، غلامعلی؛ شمشیری، محمدرضا و رحمانی، جهانبخش. (۱۳۹۸). «فاعلیت خدا در نظام هستی از نگاه علامه طباطبایی و انعکاس آن در کتیبه‌های بناهای اسلامی»، دوفصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات هنر اسلامی، شماره ۳۶، بطیار، محبوبه؛ حسنی، غلامرضا. (۱۳۹۸). «خاستگاه شناختی، طبقه‌بندی و تحلیل نقش‌های شیرسر بناهای قاجاری گرگان»، دوفصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات هنر اسلامی، شماره ۳۳.
- سلیمانی، محمدرضا؛ اعتصام، ایرج و حبیب، فرح. (۱۳۹۵). «بازشناسی مفهوم و اصول هویت در اثر معماری. هویت شهر، شماره ۲۵، صص ۲۶ - ۱۵.
- شریفی‌القلندیس، ب و دیگران. (۱۳۹۶). "اهمیت نگهداری و احیاء بافت‌های تاریخی و تاثیر آن در گردشگری و توسعه پایدار شهری (نمونه موردی: شهر خامنه). پژوهش در هنر و علوم انسانی، شماره ۳ (پیاپی ۵)، صص ۴۰ - ۲۳.
- فیض‌آبادی، محمود؛ شیر رفیع اردکانی، مریم. (۱۳۹۴). «بیان هویت در معماری معاصر ایران با تاکید بر سازه‌گرایی». مجموعه مقالات دومین کنگره بین‌المللی افق‌های جدید در معماری و شهرسازی، تهران.
- کوهی‌فرد، الناز. (۱۳۹۷). هویت در معماری ایرانی. تهران: نگاه بوستان.
- لنگ، ج. (۱۳۹۰). آفرینش نظریه معماری (نقش علوم رفتاری در طراحی محیط). ترجمه: علیرضا عینی‌فر، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- موحد، علی؛ شماعی، علی و زنگانه، ابوالفضل. (۱۳۹۱). «بازشناسی هویت کالبدی در شهرهای اسلامی (مطالعه موردی: شهر ری)». برنامه‌ریزی منطقه‌ای (علمی - پژوهشی)، شماره ۵، صص ۵۱ - ۳۷.
- Alexander, C. (۱۹۹۰). *The Timeless Way of Building*. Oxford University Press, New York.
- Anju Shirazi, A. (۱۹۷۰). *Ferdowsi Nameh (People and Ferdowsi), Volumes ۱ and ۲, Second Edition*, Tehran: Scientific Publications.
- André-Salvini, B. (۲۰۰۵). *Forgotten empire: the world of ancient Persia*. University of California Press.
- Akhundi, Z., Afhami, R., & Pourmand, H. A. (۲۰۱۶). *Comparative study of symbols and decorative motifs of Persepolis and Arboni Fortress*, Research in Arts and Humanities, No. ۱۱, pp. ۷۵ - ۸.

- Bonaiuto, M., & Fornara, Ferdinando, B. (۲۰۰۶). Perceived Residential Environment Quality In middle - And low - Extension Italian Cities. *Revue Européenne de Psychologie Appliquée*, ۰۶ / *European Review of Applied Psychology*, ۰۶. ۲۳-۳۴.
- Christian, A. (۲۰۱۴). Examples of the first man and the first prince in the history of Iranian mythology, translated by Jaleh Amoozgar and Ahmad Tafazli, Tehran: Cheshmeh Publications.
- Dadgi, F. (۱۹۹۰). *Bandehshan*, translated by Mehrdadbahar, Tehran: Toos.
- Eliadeh, M. (۱۹۹۷). *Treatise on the History of Religions*, translated by Jalal Sattari, second edition, Tehran: Soroush.
- Hale, Jonatan A. (۲۰۰۰). *Building Ideas: An Introduction To Architectural Theory*. John Wiley & Sons, Chichester, England.
- Hauge, A. (۲۰۰۷). Identity and place: a critical comparison of three identity theories. *Architectural Science Review*. ۰۰ (۱): ۴۴-۵۱.
- Rose, J. (۲۰۱۹). Near Eastern and Old Iranian myths. In *Oxford Research Encyclopedia of Classics*.
- Silko, L. M. (۲۰۰۶). *Ceremony*. Penguin. Originally published: New York, ۲۱۱ pp.
- Tavangarzamin, M. K. (۲۰۱۱). *Persepolis from the beginning to the end*, fourth edition, Shiraz: Persepolis.
- Tha'labi Neyshabouri, A., & bin M. ibn I. (۱۹۷۰). *History of Tha'labi (Gharr Akhbar Moluk Al-Fars and Sirham)*, Part ۱: Ancient Iran, translated by Mohammad Fazaili, Tehran: Qatreh Publishing.
- Venturi, R. (۲۰۰۱). *Complexity and Contradiction in Architecture*. New York.